

## یارو

### و

## پروتکل الحاقی و حاکمیت ملی

امیر فیض - حقوقدان

یکی از فرماندهان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ادعائی را عنوان کرده که در شرایط مذاکرات هسته ای حائز اهمیت بسیار است.

فرمانده مزبور که بر عایت اختصار در این تحریر («یارو») نامیده میشود مدعی شده:<sup>۱</sup>

«اجازه دادن به اینکه یک نیروی بیگانه و یک بازرس بتواند به پادگان نظامی سری بزند دقیقاً معادل اشغال نظامی کشور است این موضوع دقیقاً خیانت و وطن فروشی است هر کسی این حرفها را بزند با سرب داغ جواب او را خواهیم داد»

اظهارات مزبور بمناسبت طرح مشارکت ایران در پروتکل الحاقی آژانس اتمی است که «یارو» در واکنش به آن چنین مطالبی را مطرح کرده است.

نفس مطلب، در قاعده نقش شخصیت در کلام، چندان مهم نیست، ولی در رابطه با مسائل هسته ای و تحریم ها خاصه حساسیت مذاکرات و ترصد ۵+۱ برای بهانه جوئی بویژه در مسئله پروتکل الحاقی بسیار قابل اهمیت است و میتواند موضوعی قابل بحث و ظهور باشد.

### تأثیر این نادانی ها

شیرازی ها مثلی دارند که «دو، علی گلابی» معروف است و آن در موردی مصرف میشود که کسی بزرگتر از وزن و عیارش ادعا میکند.



۱ - سردار حسین سلامی، جانشین فرمانده سپاه پاسداران ایران شنبه شب با شرکت در برنامه «نگاه یک» که از شبکه اول سیما پخش شد، درباره طرح مسئله بازدید غرب از تجهیزات نظامی ایران در جریان مذاکرات هسته ای گفت ایران حتی اجازه فکر کردن درباره «بازرسی از عادی ترین مکان یا تأسیسات نظامی خود را نمیدهد». جانشین فرمانده سپاه پاسداران ایران میگوید بازرسی از اماکن نظامی مانند اشغال نظامی تلقی می شود و حتی گفت و گو درباره آن به معنای تحقیر ملی است. (از خبر ها - ح-ک)

اما در مورد روابط افراد اگر این قبیل دو آمدن ها طنز و یا یک عمل خصوصی تلقی بشود در راستای مسائل بین کشورها اتخاذ سند و درمواقعی بسیار مهم و کارساز بنفع بیگانه است، که از جمله اظهارات «یارو» در رابطه با مذاکرات هسته ای است.

### اتخاذ سند مهم

استحضار دارید که یکی از خواسته‌های ۵+۱ از ایران امضای پروتکل الحاقی آژانس اتمی است که قبلا یکبار پروتکل مزبور از سوی آژانس اتمی ایران امضا شد ولی مورد تأیید مجلس قرار نگرفت، و به همین علت و تبعات آن پرونده ایران به شورای امنیت ارسال و قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران صادر شد که تاکنون هم جاری است.

نمایندگان ایران دروین و لوزان نسبت به خواست ۵+۱ برای امضای پروتکل الحاقی آژانس اعلام موافقت کرده اند، النهایه، اعلام رسمی موافقت ایران را موقوف به نتیجه جریانات و مذاکرات دیگر ساخته اند و مجلس هم پیشاپیش نسبت به تصویب آن واکنش نه چندان مناسب نشان داده است.

باز مستحضرید که تفاهم نامه آمریکا و موافقت نامه ژنو حتی متنی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی منتشر ساخته روی آرتیکل «راستی آزمایی» ایستادگی سنگینی شده و مدت ۲۵ سال دوام و قدرت اجرایی برای آن پیش بینی شده است، و همانطور که در تحریرات سابق مطرح شد، عبارات مصرف شده در بیانیه‌ها نشان میدهد که آرتیکل راستی آزمایی بغیر از پروتکل الحاقی است که ۵+۱ خواستار تمکین ایران نسبت به آن است.

اعلام «یارو» جانشین (معاون) فرمانده سپاه پاسداران به اینکه «نظارت و بازرسی پادگان‌های نظامی ایران معادل اشغال ایران است و هر که چنین سخنانی بگوید جوابش باسرب داغ خواهد بود».

علامت رسمی است که جمهوری اسلامی با امضای پروتکل الحاقی سخت مخالف است و امضای آنرا در حد باختن استقلال کشور میداند و مقاومت نظامی خواهد کرد.

این دو علی گلابی «یارو» که با واکنش‌های معقولانه روبرو نشده است، اتخاذ سندی است براینکه ۵+۱ نسبت به آرتیکل راستی آزمایی ایستادگی بیشتری بنمایند. در صورتی که آن چیزی که حاکمیت و استقلال ایران را زیر سوال میبرد امضای پروتکل الحاقی نیست و حتما اجرای آرتیکل راستی آزمایی است که ایران را برای مدت ۲۵ سال رصد خواهند کرد یعنی کوچکترین حرکت سیاسی، اداری، علمی، اقتصادی و نظامی ایران زیر نظارت قانونی آمریکا قرار خواهد گرفت.

این تحریر بخود جرات میدهد که بگوید ادعا‌های خام و نسنجیده «یارو» یک طرح حساب شده ای است برای ایجاد حقانیت آرتیکل راستی آزمایی، والا در حالیکه مذاکرات با ۵+۱ در جریان است و نمایندگان ایران هم به امضای پروتکل الحاقی روی مساعد نشان داده اند و سید علی هم به نفی مقوله امضای پروتکل چیزی نگفته چرا باید یک نظامی در مسیری تدبیری چنین سندی به ۵+۱ بدهد؟ و به سخنی متکی شود که در مقام و مسئولیت او نیست؟

این تحریر بازبه خود جرات میدهد که بگوید عاقلانه این بوده وهست که خیلی فوری پروتکل الحاقی آژانس ازسوی نمایندگان ایران به امضا برسد، تا موضوع آرتیکل راستی آزمائی ضعیف شود وبا تمسک به اینکه بازرسان آژانس براساس آئین نامه های سازمان، فعالیت هسته ای ایران را کنترل خواهندکرد دیگر لزومی به ایجاد آرتیکل راستی آزمائی نخواهد بود، راه فرجی گشوده شود والا با اعلام مخالفت نظامی با پروتکل الحاقی علاوه براینکه موضع آرتیکل راستی آزمائی تقویت میشود بلکه دلیلی هم برپنهان کاری فعالیت های اتمی نظامی بدست ۱+۵ خواهد داد.

این یک ندانم کاری وظاهرسازی وامثال آنهاست؛ مثالش روشن است، اگر درسالی که ارسال پرونده اتمی ایران به شورای امنیت مطرح شد، رژیم با تجدید نظر در آنچه روی داده واستیضاح از اظهارات رئیس دولت مبنی بر آنقدر قطعنامه بدهند تا فلان نشان پاره شود سیاست مدارا و قبول امضای پروتکل الحاقی را قبول میکرد، موضوع ارسال پرونده به شورای امنیت و صدور قطعنامه های مسلسل متوقف میشد و این وضع بوجود نمیآمد که ایران برای رهائی از فشار قطعنامه ها زیر بار تعهدات بسیار سنگینی برود بعلاوه آنکه هم پروتکل الحاقی را امضا کند وهم عملا زیر بار راستی آزمائی مدت دار برود.

### پروتکل الحاقی و حاکمیت ملی

پروتکل الحاقی به امضای یکصدو چند کشور عضو آژانس رسیده است؛ آیا همه آن کشورها به استقلال و حاکمیت ملی شان بی اعتنا بوده اند و فقط جمهوری اسلامی که اساسا مردمش بموجب قانون اساسی کشور حق حاکمیت ندارند نسبت به امضای آن پروتکل حساسیت دارد؟

آنچه که حاکمیت ملت ایران واستقلال کشور را به مخاطره می افکند پروژه راستی آزمائی است نه امضا و اجرای پروتکل الحاقی و برعکس، امضای فوری پروتکل الحاقی واجرای دقیق آن این حقانیت را به تصویر خواهد کشید که نیازی به اجرای پروژه راستی آزمائی نسبت به ایران نیست، ومقاومت ایران را درمقال راستی آزمائی (تصدیق ایران به دغکاری است) نوعی مستند میسازد.

پروتکل الحاقی نیست که سبب تضييع حاکمیت ملی میشود متاسفانه موافقت نامه ژنو است که بندهای اسارت طویل المدت را بر حاکمیت نیمه جان ایران مستولی ساخته است ومجلس اسلامی هم مانع اجرای آن قبل از تصویب مجلس نشده است.

پروتکل الحاقی یک رویه ازپیش تدارک شده است وبسیاری از کشورها درچارچوب آن فعالیت هسته ای صلح آمیز دارند، هیچ اجباری هم برای کشورها در مشارکت در آن نیست، ولی شرط جهانی در استفاده از فرآورده های هسته ای در ترتیبات صلح آمیز رعایت پروتکل است، هرکشوری که بخواهد در فعالیت های هسته ای صلح آمیز مشارکت داشته باشد باید از حکم بین المللی آژانس، تبعیت کند و در ردیف یکصدو چند کشوری که پروتکل الحاقی را امضا کرده قرارگیرد والا گرفتار قطعنامه های ایذائی شورای امنیت خواهد شد که جمهوری اسلام شده است.

این درست است که اسرائیل پروتکل الحاقی را امضا نکرده و عضو آژانس اتمی هم نیست و فعالیت اتمی نظامی سنگینی هم دارد، ولی در مقررات آژانس بابی نیست که اگر کشوری تخلف کرد کشورهای دیگر هم

مشمول بی اعتنائی آژانس خواهند بود، این قبیل بی عدالتی ها و تبعیض ها در بسیاری از موارد بین کشورها وجود دارد نمونه بارز آن حق وتو و مداخله در امورکشورهاست که سرآمد سیاست آمریکا را فراهم ساخته است؛ ولی نمیتوان آنها را بهانه والگوی خودداری از تعهدات بین المللی ساخت مطرح ساختن آن کمبودها و تبعیضات در حل مسائل و مشکلات بین المللی کمکی نخواهد بود.

دولت مصر پروتکل الحاقی را امضا کرده ولی اجرای آنرا موکول به عضویت اسرائیل در آژانس ساخته (یک زیرکی سیاسی) نه اینکه ادعا شود چون اسرائیل امضا نکرده ما هم امضا نمیکنیم؛ خوب امضا نکنید، آیا شورای امنیت سازمان ملل به چنین عذرایران تن داد که به شکایت آژانس از ایران رسیدگی نکند و ایران راقطعنامه پیچ نکند؟

### حاکمیت ملی و حاکمیت بین المللی

ادعای اینکه پروتکل الحاقی با حاکمیت ملی ملتها مغایرت دارد امری درست است ولی باید دانست که قرارگرفتن کشورها در جنبه حقوق بین الملل وجوامع و سازمان ها و عهدنامه های بین المللی و امثال آنها نوعی تحدید حاکمیت ملی است، همین اعلامیه جهانی حقوق بشر با حاکمیت ملی تناقض دارد همین منشور سازمان ملل و مواد ۴۱ و ۴۲ آن با حاکمیت ملی منافات دارد. مذاکرات هسته ای با ۵+۱ با حاکمیت ملی تناقض دارد خبرگزاری ها خبر میدهند که ۷۵ درصد مردم ایران خواستار فعالیت هسته ای حتی در مراتب جنگی هستند. بنابراین با این نمودار حاکمیت ملی، موافقتنامه ژنو و یا امضای پروتکل البته که مغایر با حاکمیت ملی است.

بیشتر عهدنامه های بین المللی پل بر روی حاکمیت ملی کشورها زده است به همین دلیل است حقوق بین الملل در تعارض بین عهدنامه ها و منشورهای بین المللی و قوانین موضوعه و حتی قانون اساسی، اصالت و حقانیت رابه عهدنامه های بین المللی داده است، یعنی حاکمیت ملتها تحت الشعاع قرار گرفته است.

آقایانی که در مجلس اسلامی موضوع حاکمیت ملی و تعارض آنرا با پروتکل الحاقی عنوان میکنند میدانند که:

واقعیت این است که ایران در راستای فعالیت های هسته ای بعللی که خود میدانید با گرفتاری های بس خطیری مواجه شده است و موافقتنامه ژنو و اجرای آن، همه گرفتاریهای بزرگ ایران را به عزم اراده و حاکمیت ملی در آورده است. و پیش از آنکه مسئله پروتکل الحاقی را با اصل حاکمیت ملی آشنا سازید بدانید که موافقت نامه ژنو و تفاهم نامه آمریکا و شیوه و سیطره آن کشور در روابط بین المللی جانی برای حاکمیت ملی ایرانیان باقی نگذاشته است، و اکنون باید راهی را جست که ضایعات گرفتاری به حد اقل برسد نه اینکه به امید راهی بود که دفع شربشود که شتر شر برداشتنی نیست که نیست، بیت سعدی رابیاد بیاوریم که گفت:

چو در طاس لغزنده افتاد مور رهاننده را چاره باید نه زور

حاشیه ای بر اظهارات «یارو»

## داستان سرب داغ

داستان سرب داغ که اسباب تهدید «یارو» قرار گرفته از وسایل معروف شکنجه های دوران صفویه است و کسانی که در قبول مذهب تشیع مقاومت میکردند با این تهدید روبرو میشدند، ولی گمان نمیکنم اکنون در جمهوری اسلامی کسی باشد که مرد اجرای این گونه تهدیدها باشد؛ چنانکه کسی سرب داغ در دهان آنکس که گفت: «ما کشوری بنام ایران نمیشناسیم»، «استقلال چیه، ما اسلام میخوایم» نریخت که بارگاه مجلی هم برایش ساختند. [[منظور خمینی است]]

### اجازه دادن معادل اشغال کشور است

اینجاست که انسان متوجه میشود چه حالهای نادان و کوچکی غاصب کشور تاریخی ایران شده هستند واقعا درست گفته اند که تامل سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد.

معادل دانستن اجازه دادن به یک بازرس و یا شخصیت خارجی برای بازدید از یک پادگان با اشغال نظامی سرزمین از آن حرفهائی است که خود «یارو» هم اگر از کسی میشنید به آن میخندید.

اجازه دادن، تفویض و انتقال حق نیست. استفاضه از عین است در حد اجازه در مدت معلوم، و رکن اصلی در آن قصد و رضای اجازه دهنده و درخواست اجازه گیرنده است.

فکر میکنم بایک مثال بهتر میتوان موضوع رابه «یارو» فهماند.



«یارو» برای مشکلاتی که در نشینش پیدا میشود به طبیب رجوع میکند و اجازه بازرسی از نشینش رابه طبیب میدهد آیا این اجازه بمنزله فلان دادن «یارو» هم هست؟

کسی اجازه میدهد که از خانه اش دیگری دیدن کند آیا این اجازه به معنای سلب مالکیت از خود و در اختیار گذاشتن ناموس ساکنین خانه هم هست؟

اشغال کشور واجد هیچکدام از ارکان اجازه نیست و تعادل بین اشغال کشور و اجازه دادن دلیل عدم تعادل

عقل «یارو» ست. تاچه رسد به اینکه اجازه دادن به یک خارجی که سری به پادگان نظامی بزند خیانت و وطن فروشی بشود.

روابط کشورها در جهان امروز بر اساس آگاهی های مشترک است که از طریق دفتر همکاری ها و هیئت های اعزامی و بازدید ها و دعوت در مشارکت مانورها صورت میگیرد. یعنی چه؟ اجازه دادن به یک خارجی برای بازدید از یک پادگان بمنزله بر باد دادن استقلال کشور است، «یارو» اگر معنای استقلال کشور را میدانست این چنین ناپختگی نمیداشت.

همین امروز در خبرها بود که دونفر از خبرنگاران روزنامه های آمریکائی همراه هیئتی به تهران آمده و پس از ملاقات با افرادی به ساختمان سفارت آمریکا هم سری زده اند. چندروز قبل هم نماینده کشور استرالیا با اجازه مقامات به تهران آمد و از تهران و شمیران دیدار کرد درست است که آنها به پادگانها سرزده اند برای اینکه نخواستند والا پادگان هم با میدان تجریش تفاوتی نداشت و جمهوری اسلامی برای خوش خدمتی آن اجازه را هم با خنده میداد.

**«یارو»** باید متوجه باشد که او یک مسلمان متعصب به حکومت اسلامی است و اسلام اجازه هیچگونه مصالحه و همزیستی مسالمت آمیز با کفار را نداده است (مگر بعد از قرارداد ذمی) بنابراین تمام روابط و مذاکرات هسته ای با آمریکا و غرب خیانت به اسلام است. **«یارو»** خوبست به موافقت نامه ژنو نگاه کند تا عمق اسارت ملت مسلمان را بدست کفاردرک کند؛ که اسارت مزبور مورد تائید سپاه پاسداران جمهوری اسلامی که **«یارو»** هم یکی از فرماندهان آن سپاه است رسیده و حق آن است که آن سرب داغ را به مغز معیوب خودش شلیک کند که از چنین حکومت بی بندوباری تبعیت میکند.